



لحظه لحظه با پدر مهربان

قسمت چهارم:

واکنش من به گرفتاری و غربت امام زمانم

چگونه است!

@seratehaghi

لحظه لحظه با پدر مهربان

قسمت چهارم: واکنش من به گرفتاری و غربت امام زمانم چگونه است؟!

سَدیر با جمعی از دوستانش از کوفه به سوی مدینه حرکت کردند.

آنها این راه طولانی را به عشق دیدار امام صادق علیه السلام پیمودند؛ آرزوی آنان این بود که امام خود را ببینند.

وقتی آنان به مدینه رسیدند، اول به زیارت حرم پیامبر رفتند، و سپس به سوی خانه امام شتافتند.

وقتی آنان وارد خانه امام شدند، صدای گریه امام را شنیدند؛ وقتی نزدیک تر شدند دیدند که امام بر روی خاک نشسته، و حالت عزا و مصیبت به خود گرفته است و مانند ابر بهار گریه می کند...

چشمان حضرت از شدت گریه، مثل کاسه خون شده بود و چنین زمزمه می کرد:

«آقای من! غیبت تو خواب از چشمم ربوده و آرامش مرا گرفته است؛ آقای من! مصیبت تو برای من مصیبتی همیشگی شده است... آقای من! هر وقت برای چیزی گریه می کنم و ناله سر می دهم، می بینم که مصیبت تو، جان گدازتر و شدیدتر است...»

وقتی سَدیر و همراهانش این سخنان را شنیدند و گریه‌های امام را مشاهده کردند، به گریه افتادند و از امام سوال کردند که چه اتفاقی افتاده است؟
امام، آهی کشید و در پاسخ چنین فرمود:

«امروز صبح وقتی به کتاب «جَفَر» که در آن همهٔ حوادث آینده آمده است نگاه کردم، دیدم که غیبت مهدی علیه‌السلام طول می‌کشد، و گرفتاری‌های زیادی پیش می‌آید.»

دوست من، به این ماجرا دقت کن؛ سخن امام صادق علیه‌السلام را خوب بررسی کن؛ آن حضرت اینگونه برای مصیبت‌های مهدی علیه‌السلام اشک می‌ریزد... گرفتاری‌های مهدی، خواب را از چشمان امام صادق اینگونه ربوده است...
به راستی؛

«آیا ما تا به حال، يك شب اینگونه بوده‌ایم...؟»

اگر فرزند ما بیمار شود و او را به بیمارستان ببرند، ما آن شب خواب نداریم، پریشان هستیم، مگر پدر و مادر می‌توانند در آن شرایط آرام و قرار داشته باشند؟!

هر لحظه نگران فرزند خود هستند، غم و غصه فرزند خواب را از چشم می‌رباید.

آیا تا به حال، يك بار اینگونه بی‌قرار مولای خود شده‌ایم؟

ما خودمان، در خانه و کاشانه خود در آرامش هستیم، اما کسی که سلطان این جهان است در بیابانها آرامش ندارد... جان او در خطر است و دلش پر از غم و غصه است.

در اینجا نکته دیگری را می‌خواهم بازگو کنم:

به ما یاد داده‌اند که مصیبت امام حسین علیه‌السلام، از همه مصیبت‌ها سخت‌تر بوده است؛ می‌دانیم که امام صادق علیه‌السلام، برای مصیبت کربلا «بسیار» گریه کرده است.

ولی آن حضرت در اینجا مطلب مهمی را بازگو می‌کند؛ به این سخن آن حضرت دقت کن:

«هر وقت برای چیزی گریه می‌کنم و ناله سر می‌دهم، می‌بینم که مصیبت تو جان‌گدازتر و شدیدتر است.»

این نشان می‌دهد که در نگاه امام صادق، مصیبت مهدی، شدیدتر و جان‌گدازتر از مصیبت کربلاست؛

شاید برای عده‌ای این سخن عجیب به نظر آید که مصیبت و گرفتاری مهدی چیست

که امام صادق علیه‌السلام اینگونه برای آن اشک می‌ریزد؟!!

و من چقدر از این مصیبت غافل هستم...

وای بر من...

کجا هستم...؟

چگونه زندگی می‌کنم...؟

آیا غربت امام خود را عادی می‌دانم و به آن عادت کرده‌ام، یا آنکه آن را مصیبت می‌دانم؟

دانستم و خطا کردم، نمک خوردم و نمکدان شکستم؛ من از فتنه‌های این روزگار می‌ترسم.

دشمنان که تکلیفشان مشخص است؛ آنان از غربت و تنهایی او خشنودند، اما «من چه می‌کنم؟»

وقتی من در بی‌خیالی به سر ببرم و غربت و تنهایی امام خود را مصیبت ندانم، به غفلت گرفتار شده‌ام و با این غفلت، دل امام خود را به درد آورده‌ام و دشمنان او را خشنود کرده‌ام. چرا من امروز احساس یتیمی نمی‌کنم؟ آقای من و مولای من در زندان است؛ من از او دور افتاده‌ام و اصلاً «هیچ» غمی در وجودم نیست!!

به این دنیا و جلوه‌های پرفریب آن دل بسته‌ام...

چرا من این چنین شده‌ام؟

شیعیانی که در زمان اهل بیت علیهم‌السلام زندگی می‌کردند، چگونه بودند و من چگونه‌ام!..

بعضی از آنان سوگند یاد کرده بودند تا زمانی که زنده‌اند و حکومت اهل بیت
علیهم‌السلام برپا نشده است، هر روز به غیر از روز عید فطر و عید قربان روزه
بگیرند؛ چقدر بین آنان و من تفاوت است!

من به آنجا رسیده‌ام که دیگر غیبت مولایم برایم عادی شده است.



[@aparat.com/besouyezohour](https://aparat.com/besouyezohour)



[v_bagherpour_kashani](https://www.instagram.com/v_bagherpour_kashani)



[@seratehagh1](https://t.me/seratehagh1)



[besouyezohour](https://www.besouyezohour.com)



[bagherpour-kashani.com/](https://www.bagherpour-kashani.com/)



[@serat12k](https://www.instagram.com/serat12k)



[youtube.com/c/seratehagh](https://www.youtube.com/c/seratehagh)



<https://naakhodaa.ir>